

Submit Date: 22 December 2025

Revise Date: 23 April 2026

Accept Date: 30 April 2026

Initial Publish: 19 July 2026

Final Publish: 22 June 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

A Comparative Study of the Status of Electronic Evidence in the Proof of Claims in Imami Jurisprudence, Iranian Law, and French Law

Zahra Tajeri^{1*}, Masoud Younesi¹

1. Department of Law, Go.C., Islamic Azad University, Gorgan, Iran

* Corresponding Author's Email: Zahra.TajeriMoazeni@iau.ac.ir

ABSTRACT

The present study was conducted with the aim of comparatively examining the status of electronic evidence in the proof of claims within the three systems of Imami jurisprudence, Iranian law, and French law. This research is qualitative in nature and was carried out using a descriptive-analytical method with a comparative approach. Data were collected through the study of authoritative jurisprudential and legal sources, as well as relevant statutes and regulations, and were analyzed using the content analysis technique. The findings indicate that in Imami jurisprudence, electronic evidence is admissible provided that its authenticity and protection against forgery and alteration are established, and such evidence may lead to the judge's personal conviction. In Iranian law, the Electronic Commerce Law of 2003 and the Executive Regulation on the Admissibility of Electronic Evidence of 2013 have formally recognized electronic evidence and classified it among the means of proof in litigation. In French law, the Law of March 13, 2000, by establishing equality between electronic and paper writings, introduced a fundamental transformation in the law of evidence, and Articles 1365 to 1367 of the French Civil Code now recognize the principle of equal evidentiary value between the two forms. The results of the study demonstrate that all three legal systems have moved toward the acceptance of electronic evidence; however, French law, through explicit legislative provisions and a distinction between electronic evidence in juridical acts and juridical facts, has presented a more coherent framework. Iranian law, by drawing upon the capacities of Imami jurisprudence and the experience of French law, can further develop its system of electronic evidence.

Keywords: *Electronic evidence, proof of claims, Imami jurisprudence, Iranian law, French law, Electronic Commerce Law, evidentiary value.*

How to cite: Tajeri, Z. & Younesi, M. (2027). A Comparative Study of the Status of Electronic Evidence in the Proof of Claims in Imami Jurisprudence, Iranian Law, and French Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 5(2), 1-15.



تاریخ ارسال: ۱ دی ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۳ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۲۸ تیر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

مطالعه تطبیقی جایگاه ادله الکترونیکی در اثبات دعاوی در فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق فرانسه

زهرا تجری^{۱*}، مسعود یونسی^۱

۱. گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Zahra.TajeriMoazeni@iau.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی جایگاه ادله الکترونیکی در اثبات دعاوی در سه نظام فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق فرانسه انجام شده است. این تحقیق از نوع کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی صورت گرفته است. داده‌ها از طریق مطالعه منابع معتبر فقهی، حقوقی و قوانین مرتبط گردآوری و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا بررسی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در فقه امامیه، ادله الکترونیکی به شرط احراز وثاقت و امنیت از جعل و تغییر، قابلیت استناد داشته و می‌تواند موجب علم قاضی گردند. در حقوق ایران، قانون تجارت الکترونیک (مصوب ۱۳۸۲) و آیین‌نامه استنادپذیری ادله الکترونیکی (مصوب ۱۳۹۲) ادله الکترونیکی را به رسمیت شناخته و آنها را در زمره ادله اثبات دعوی قرار داده‌اند. در حقوق فرانسه، قانون ۱۳ مارس ۲۰۰۰ با ایجاد برابری میان نوشته الکترونیکی و کاغذی، تحولی بنیادین در نظام ادله ایجاد کرد و مواد ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ قانون مدنی فرانسه اکنون اصل برابری ارزش اثباتی این دو را به رسمیت می‌شناسد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هر سه نظام حقوقی به سوی پذیرش ادله الکترونیکی حرکت کرده‌اند، اما حقوق فرانسه با تصریح قانونی و تفکیک میان ادله الکترونیکی در اعمال حقوقی و وقایع حقوقی، نظام منسجم‌تری ارائه داده است. حقوق ایران با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقه امامیه و تجربه حقوق فرانسه می‌تواند نظام ادله الکترونیکی خود را تکامل بخشد.

کلیدواژگان: ادله الکترونیکی، اثبات دعوی، فقه امامیه، حقوق ایران، حقوق فرانسه، قانون تجارت الکترونیک، ارزش اثباتی.

نحوه استناددهی: تجری، زهرا، و یونسی، مسعود. (۱۴۰۶). مطالعه تطبیقی جایگاه ادله الکترونیکی در اثبات دعاوی در فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق فرانسه. دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی،

۱۵-۱.

به اقرار، شهادت، سوگند، قسامه و علم قاضی است، اما می‌توان از قواعد عمومی فقهی برای مشروعیت‌بخشی به ادله نوین بهره گرفت. برای نمونه، قاعده «لاضرر» و قاعده «منع اختلال نظام» که در فقه امامیه برای تأمین امنیت حقوقی و جلوگیری از زیان‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته‌اند، می‌توانند مبنای مناسبی برای پذیرش ادله الکترونیکی در دادرسی‌های امروزی باشند (Robati et al., 2021). همچنین اصل صحت و قاعده ظهور که به اعتبار ظاهر در روابط حقوقی توجه دارند، می‌توانند در شرایطی که دسترسی به واقعیت از طرق سنتی ممکن نیست، مبنای استناد به ادله الکترونیکی قرار گیرند.

در حقوق کیفری ایران، با وجود آنکه ماده ۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ادله اثبات را به پنج قسم محدود کرده، اما ظرفیت‌هایی برای بهره‌گیری از ادله حاصل از فناوری‌های نوین وجود دارد. این ادله می‌توانند انواع فناوری‌های الکترونیکی در حال تکامل، اصوات، تصاویر و فیلم‌های ضبط‌شده را شامل شوند که در قیاس با ادله سنتی مانند شهادت، تأثیرگذاری بیشتری در اقناع وجدانی قاضی دارند. متأسفانه قانون‌گذار اسلامی طی دهه‌های اخیر، علی‌رغم گسترش روزافزون استفاده از ادله نوین در نظام‌های حقوقی دیگر کشورها، از همگام‌سازی خود با پیشرفت‌های مرتبط با این عرصه مغفول مانده و این امر تشتت و اختلاف در رویه قضایی را ایجاد نموده است (Kazemi & Kakavand, 2022).

بررسی تطبیقی حقوق فرانسه نشان می‌دهد که قانون ۱۳ مارس ۲۰۰۰ در خصوص هماهنگ‌سازی حقوق ادله اثبات با فناوری‌های نوین، قانون مدنی این کشور را به صورتی اصلاح نموده که اسناد الکترونیکی نیز به‌عنوان دلیل پذیرفته شوند. در حقوق ایران نیز قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ گام مهمی در این مسیر بوده است، اما همچنان چالش‌هایی در زمینه اعتبار و آثار این اسناد

گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات در دهه‌های اخیر، تحولی شگرف در تمامی ابعاد زندگی بشری ایجاد کرده است. حوزه حقوق و دادرسی نیز از این تحول مستثنی نمانده و با پدیده‌ای نوین به نام «ادله الکترونیکی» مواجه شده است. اسناد الکترونیکی، پیامک‌ها، ایمیل‌ها، تصاویر دیجیتال، قراردادهای الکترونیکی و انواع دیگر داده‌پیام‌ها، امروزه بخش مهمی از ادله‌ای را تشکیل می‌دهند که برای اثبات دعاوی در محاکم قضایی ارائه می‌شوند. این تحول، پرسش‌های بنیادینی را در مورد اعتبار، ارزش اثباتی و جایگاه این ادله در نظام‌های حقوقی مختلف ایجاد کرده است.

پرسش اصلی پژوهش پیش رو این است که جایگاه ادله الکترونیکی در اثبات دعاوی در فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق فرانسه چیست و چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان این سه نظام وجود دارد؟ هدف از این بررسی تطبیقی، شناسایی ظرفیت‌ها و کاستی‌های هر یک از این نظام‌ها و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود نظام ادله الکترونیکی در حقوق ایران با بهره‌گیری از تجربیات تطبیقی و ظرفیت‌های غنی فقه امامیه است.

اهمیت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که حقوق ایران، علی‌رغم گام‌های مثبت در قانون تجارت الکترونیک و آیین‌نامه استنادپذیری ادله الکترونیکی، با چالش‌های اجرایی و نظری متعددی در این زمینه مواجه است. از سوی دیگر، فقه امامیه به‌عنوان منبع اصلی حقوق ایران، ظرفیت‌های قابل توجهی برای پشتیبانی نظری از پذیرش ادله الکترونیکی دارد. همچنین حقوق فرانسه به‌عنوان یکی از نظام‌های پیشرو در این حوزه، با اصلاحات قانون مدنی در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۶، تجربه ارزشمندی در تنظیم‌گری ادله الکترونیکی ارائه داده است که می‌تواند برای حقوق ایران الهام‌بخش باشد.

بررسی ظرفیت‌های فقه امامیه در پذیرش ادله الکترونیکی نشان می‌دهد که اگرچه در متون فقهی کلاسیک، ادله اثبات دعوا منحصر

در دعاوی مدنی وجود دارد که مطالعه تجربه فرانسه و تحولات پیش روی آن می‌تواند راهگشا باشد.

پژوهش‌های جدید در حوزه فقه اقتصادی نیز نشان می‌دهد که امکان‌سنجی استنادپذیری ادله الکترونیک در فقه، با نگاهی به قانون تجارت الکترونیک ایران، موضوعی است که می‌تواند از طریق اجتهاد پویا و با بهره‌گیری از قواعدی چون بنای عقلا و سیره عقلایی که در فقه امامیه پذیرفته شده است، به نتایج مطلوبی دست یابد (Moradi et al., 2022).

پیشینه تحقیق

مطالعه پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که موضوع ادله الکترونیک در هر یک از سه نظام مورد بررسی، به صورت مستقل مورد توجه محققان قرار گرفته است.

در فقه امامیه، منابع متعددی به بررسی ادله اثبات دعوی پرداخته‌اند. فقیهان برجسته‌ای مانند شیخ انصاری در کتاب «القضاء و الشهادات» (Ansari, 1994)، محقق حلی در «شرائع الإسلام» (Muhaddiq Hilli, 1987) و نجفی در «جواهر الکلام» (Najafi, 1983) به تفصیل از ادله سنتی اثبات بحث کرده‌اند. در دوران معاصر، پژوهش‌هایی به بررسی قابلیت انطباق ادله الکترونیک با این مبانی فقهی پرداخته‌اند. مرادی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «امکان‌سنجی اعتبار ادله الکترونیک در فقه با نگاهی به قانون تجارت الکترونیک ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که اسناد الکترونیک در صورت رعایت تدابیر امنیتی، می‌تواند به عنوان ادله اثبات دعوی تلقی شوند (Moradi et al., 2022).

در حقوق ایران، قوانین متعددی به موضوع ادله الکترونیک پرداخته‌اند. قانون تجارت الکترونیک، مهم‌ترین این قوانین است که در مواد ۶ تا ۱۵ به تعریف داده‌پیام و اعتبار آن پرداخته است. آیین‌نامه استنادپذیری ادله الکترونیک نیز جزئیات بیشتری را در این زمینه مشخص کرده است. شهبازی‌نیا در مقاله‌ای با عنوان «دلیل الکترونیک در نظام ادله اثبات دعوی» به تحلیل چالش‌های حقوقی

این ادله پرداخته است (Shahbazinia, 2010). احمدی لشکی و همکاران نیز در مقاله‌ای با عنوان «ادله الکترونیک برای اثبات دعاوی در دادرسی اداری و مدنی در ایران با توجه به فقه امامیه» به بررسی امکان استفاده از ادله الکترونیک در دادرسی اداری پرداخته‌اند (Ahmadi Lashki et al., 2023).

در حقوق فرانسه، قانون ۱۳ مارس ۲۰۰۰ نقطه عطفی در پذیرش ادله الکترونیک محسوب می‌شود. این قانون با اصلاح قانون مدنی، برابری نوشته الکترونیک و کاغذی را به رسمیت شناخت. سپس فرمان ۲۰۱۶-۱۳۱ مورخ ۱۰ فوریه ۲۰۱۶، مواد مربوط به ادله را بازنویسی و به‌روزرسانی کرد. منابع آموزشی فرانسه به تفصیل به تحلیل این مقررات پرداخته‌اند (Pourali & Bagheri, 2020). رویه قضایی فرانسه نیز در تصمیمات متعدد، از جمله رأی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳ مارس ۲۰۰۸، به تفسیر این مقررات پرداخته است (Pourali & Bagheri, 2020).

شکاف تحقیقاتی موجود، فقدان پژوهشی است که ضمن بررسی مبانی نظری ادله الکترونیک در فقه امامیه، به تحلیل تطبیقی آن با حقوق ایران و حقوق فرانسه بپردازد و ظرفیت‌های هر یک را برای پوشش خلأهای دیگری شناسایی کند. مقاله حاضر درصدد پر کردن این شکاف است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر ماهیت، کیفی و به لحاظ هدف، کاربردی - توسعه‌ای است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه منابع معتبر در سه حوزه فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق فرانسه می‌شود که به موضوع ادله اثبات دعوی و ادله الکترونیک مرتبط هستند.

روش جمع‌آوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و اسنادی است. در بخش فقه امامیه، منابع اصلی فقهی مانند جواهرالکلام، شرائع الإسلام، مکاسب و کتب قضاء و شهادت مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در بخش حقوق ایران، قوانین و مقررات مرتبط از جمله قانون تجارت

مبنای فقهی پذیرش ادله الکترونیکی

فقیهان برای پذیرش ادله الکترونیکی به چند مبنای فقهی استناد می‌کنند:

اصل اباحه: بر اساس این اصل، هر چیزی مباح است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. بنابراین، استفاده از ادله الکترونیکی تا زمانی که منع شرعی نداشته باشد، جایز است.

بنای عقلا: عقلا در روابط اجتماعی و تجاری خود به اسناد الکترونیکی اعتماد می‌کنند و این بنا، شرعاً مورد امضا قرار گرفته است (Moradi et al., 2022).

علم قاضی: اگر ادله الکترونیکی برای قاضی علم بیاورند، می‌توانند مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرند. علم قاضی در فقه امامیه یکی از ادله اثبات دعوی محسوب می‌شود.

قاعده لاضرر و لاضرر: این قاعده که بر نفی ضرر و حرج در احکام اسلامی دلالت دارد، می‌تواند مبنایی برای پذیرش ادله الکترونیکی در شرایطی باشد که استفاده از ادله سنتی موجب عسر و حرج یا ضرر به اصحاب دعوی شود. در عصر حاضر که بسیاری از معاملات و ارتباطات به صورت الکترونیکی انجام می‌شود، عدم پذیرش ادله الکترونیکی می‌تواند موجب ضرر و حرج برای افراد گردد (Robati et al., 2021).

قاعده منع اختلال نظام: بر اساس این قاعده، هر آنچه که موجب اختلال در نظام اجتماعی و اقتصادی جامعه شود، شرعاً ممنوع است. با توجه به اینکه امروزه بخش قابل توجهی از تعاملات تجاری و اجتماعی از طریق ابزارهای الکترونیکی صورت می‌گیرد، عدم پذیرش ادله الکترونیکی در محاکم می‌تواند به اختلال نظام اجتماعی و اقتصادی منجر شود و اعتماد عمومی به نظام قضایی را کاهش دهد.

اصل صحت: این اصل که بر حمل فعل مسلمان بر صحت دلالت دارد، می‌تواند در مورد ادله الکترونیکی نیز جریان یابد. بدین معنا که اگر سند الکترونیکی با شرایط لازم تهیه شده باشد، حمل بر

الکترونیک، قانون آیین دادرسی مدنی، آیین‌نامه استنادپذیری ادله الکترونیکی و آرای قضایی مرتبط بررسی شده‌اند. در بخش حقوق فرانسه، قانون مدنی فرانسه، قانون ۱۳ مارس ۲۰۰۰، رویه قضایی و دکترین حقوقی تحلیل شده‌اند.

برای تحلیل داده‌ها، از تکنیک تحلیل محتوا با رویکرد تطبیقی استفاده شده است؛ بدین ترتیب که ابتدا مبانی و جایگاه ادله الکترونیکی در هر نظام شناسایی و دسته‌بندی شده، سپس نقاط اشتراک و افتراق آنها استخراج و در نهایت بر اساس معیارهایی چون انسجام نظری، کارآمدی عملی و قابلیت اجرایی، مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها و بحث

۱. جایگاه ادله الکترونیکی در فقه امامیه

فقه امامیه به‌عنوان یکی از غنی‌ترین منابع حقوق اسلامی، نظامی منسجم برای ادله اثبات دعوی ارائه می‌دهد. ادله سنتی اثبات در فقه عبارتند از: اقرار، شهادت، قسامه، علم قاضی و سوگند. پرسش اساسی آن است که آیا ادله الکترونیکی را می‌توان در زمره این ادله جای داد یا اینکه ماهیتی مستقل دارند.

دیدگاه فقیهان در مورد ادله الکترونیکی

پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که از منظر فقهای امامیه، ادله الکترونیکی در صورت احراز شرایطی قابل پذیرش و دارای اعتبار هستند. این شرایط عبارتند از:

امنیت از جعل و تغییر: سند یا نوشته الکترونیکی باید در بستری مطمئن و مصون از تغییرات ناخواسته نگهداری شده باشد. قابلیت انتساب: شخصی که سند به او منتسب می‌شود باید به نحو مطمئنی قابل شناسایی باشد.

ایجاد علم برای قاضی: ادله الکترونیکی باید به گونه‌ای باشند که بتوانند برای قاضی علم آورند یا دست‌کم موجب حصول اطمینان نسبی گردند (Ahmadi Lashki et al., 2023).

صحت شده و می‌توان بدان استناد نمود، مگر آنکه خلاف آن اثبات شود (Moradi et al., 2022).

سیره عقلایی: سیره و روش عقلا در جوامع بشری همواره مورد توجه فقهای امامیه بوده است. امروزه عقلا در سطح بین‌المللی به ادله الکترونیکی اعتماد کرده و آن را در روابط خود می‌پذیرند. این سیره عقلایی که مستمر و فراگیر است، می‌تواند مبنای محکمی برای پذیرش ادله الکترونیکی در فقه امامیه باشد، به‌ویژه آنکه ردع و منعی از سوی شرع نسبت به این سیره وارد نشده است.

امضایی بودن احکام معاملات: بسیاری از فقها بر این باورند که احکام مربوط به معاملات و روابط اجتماعی، جنبه امضایی دارند، نه تأسیسی؛ به این معنا که شارع روش‌های عقلایی را که مخالف با موازین شرعی نباشند، امضا کرده است. ادله الکترونیکی نیز از مصادیق همین روش‌های عقلایی محسوب می‌شوند و تا زمانی که با نصوص شرعی مخالفت نداشته باشند، قابل پذیرش هستند (Kazemi & Kakavand, 2022).

ظرفیت‌های فقهی دیگر: بررسی ظرفیت‌های فقه امامیه نشان می‌دهد که می‌توان از قواعدی همچون «اقدام»، «تسبیب» و «احترام مال مسلمان» نیز برای توجیه پذیرش ادله الکترونیکی بهره گرفت. همچنین در فقه امامیه، هر چیزی که موجب اطمینان و وثوق عقلایی شود، می‌تواند معتبر شمرده شود و ادله الکترونیکی در صورت دارا بودن شرایط لازم، می‌توانند چنین اطمینانی را برای عرف ایجاد نمایند.

چالش‌های فقهی ادله الکترونیکی

برخی فقیهان نسبت به احتمال جعل و تقلب در اسناد الکترونیکی ابراز نگرانی کرده‌اند. با این حال، بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که اسناد کاغذی نیز از این آسیب مصون نیستند و در هر دو مورد، اجرای تدابیر امنیتی می‌تواند از جعل جلوگیری کند. بنابراین، اسناد الکترونیکی برتری ذاتی بر اسناد کاغذی ندارند و هر دو باید با یک معیار سنجیده شوند (Moradi et al., 2022).

افزون بر این، تجربه عملی محاکم نشان داده است که جعل در اسناد کاغذی به دلیل پیشرفت فناوری‌های تکثیر و چاپ، به مراتب ساده‌تر و با هزینه کمتر قابل انجام است، در حالی که جعل در اسناد الکترونیکی که با استفاده از فناوری‌های رمزنگاری و امضای دیجیتال صادر می‌شوند، نیازمند دانش فنی پیشرفته و دسترسی به کلیدهای خصوصی است که این امر احتمال جعل را به شدت کاهش می‌دهد (Robati et al., 2021).

از منظر فقهی، ملاک اعتبار یک سند، وثوق و اطمینانی است که نسبت به صدور آن از سوی صادرکننده وجود دارد. در فقه امامیه، هر چیزی که برای عرف عقلا ایجاد وثوق کند، معتبر شمرده می‌شود. امروزه با توسعه فناوری‌های احراز هویت دیجیتال، اسناد الکترونیکی در بسیاری از موارد از وثاقت بیشتری نسبت به اسناد کاغذی برخوردارند، زیرا امکان ردیابی، ثبت تغییرات و احراز هویت صادرکننده در آنها با دقت بیشتری انجام می‌شود (Kazemi & Kakavand, 2022).

قانون‌گذار ایران نیز در ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲، با الهام از این نگاه، داده‌پیام‌های مطمئن را که از روش‌های امنیتی مناسب بهره می‌برند، دارای ارزش اثباتی دانسته است. در این ماده، داده‌پیامی مطمئن محسوب می‌شود که در طول مدت ارتباط، حفظ و نگهداری شده و بتوان تمامیت آن را بررسی کرد و با استفاده از روش‌های امنیتی قابل اتکا، صادرکننده آن شناسایی و منحصرأ به او منتسب شود (Ahmadi Lashki et al., 2023).

در حقوق تطبیقی، قانون مدنی فرانسه نیز در ماده ۱۳۶۶ با بیان اینکه «نوشته الکترونیکی همان ارزش اثباتی نوشته کاغذی را دارد، مشروط بر اینکه شخصی که از جانب او صادر شده به درستی قابل شناسایی باشد و در شرایطی که تمامیت آن را تضمین می‌کند، ایجاد و حفظ شده باشد»، رویکرد برابری کارکردی اسناد کاغذی و الکترونیکی را پذیرفته است. این رویکرد نشان می‌دهد که در

قانون تجارت الکترونیک میان داده‌پیام عادی و داده‌پیام مطمئن تمایز قائل شده و برای دومی ارزش اثباتی بیشتری قائل است. داده‌پیام مطمئن داده‌پیمایی است که از روش امنی استفاده کند که انتساب آن به فرستنده و محافظت از آن در برابر تغییر را تضمین نماید (Alidoosti Shahraki et al., 2024).

آیین‌نامه استنادپذیری ادله الکترونیکی (۱۳۹۲)

این آیین‌نامه که در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسید، جزئیات بیشتری را در مورد ادله الکترونیکی مشخص کرده است. ماده ۴۷ این آیین‌نامه به صراحت اعلام می‌دارد که داده‌پیام منحصر به دستگاه‌های الکترونیکی نیست و شامل انواع مختلف مانند پرونده‌های تصویری و صوتی، تلگرام و دستگاه‌های نوری نیز می‌شود (Ahmadi Lashki et al., 2023).

چالش‌های حقوق ایران

حقوق ایران با وجود پیشرفت‌های قابل توجه، با چالش‌های متعددی در زمینه ادله الکترونیکی مواجه است: عدم تفکیک معیارهای عمومی و تخصصی: در قانون تجارت الکترونیک، معیارهای عمومی احراز اصالت سند که باید توسط قاضی ارزیابی شود، از معیارهای تخصصی که باید توسط کارشناسان فناوری اطلاعات بررسی شود، تفکیک نشده است (Alidoosti Shahraki et al., 2024).

کاستی در قواعد دادرسی: قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری به اندازه کافی به ادله الکترونیکی نپرداخته‌اند و رویه قضایی نیز یکنواخت نیست.

عدم پیش‌بینی سازوکارهای جمع‌آوری ادله الکترونیکی: برخلاف حقوق فرانسه که برای جمع‌آوری ادله الکترونیکی توسط افسران دادگستری پیش‌بینی‌هایی دارد، در حقوق ایران این موضوع کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

نظام‌های حقوقی پیشرفته، نگرانی از جعل دلیلی برای رد اسناد الکترونیکی تلقی نشده، بلکه تمرکز بر ایجاد سازوکارهای امنیتی برای جلوگیری از آن معطوف شده است (Pourali & Bagheri, 2020).

بنابراین، مسئله اصلی نه در تفاوت ماهوی اسناد کاغذی و الکترونیکی، بلکه در وجود یا عدم وجود تدابیر امنیتی قابل اتکا برای حفظ اصالت و تمامیت آنهاست. فناوری‌های نوین مانند دفتر کل توزیع‌شده (بلاکچین) و قراردادهای هوشمند، امکان ایجاد اسناد الکترونیکی با بالاترین سطح امنیت و غیرقابل تغییر بودن را فراهم آورده‌اند که حتی از اسناد رسمی کاغذی نیز در برابر جعل مصونیت بیشتری دارند (Moradi et al., 2022).

۲. جایگاه ادله الکترونیکی در حقوق ایران

حقوق ایران گام‌های مهمی در جهت شناسایی ادله الکترونیکی برداشته است. مهم‌ترین این گام‌ها تصویب قانون تجارت الکترونیک در سال ۱۳۸۲ و آیین‌نامه استنادپذیری ادله الکترونیکی در سال ۱۳۹۲ است.

۲.۱. قانون تجارت الکترونیک (۱۳۸۲)

قانون تجارت الکترونیک ایران با الهام از قانون نمونه آنسیتال در مورد تجارت الکترونیک تدوین شده است. مواد کلیدی این قانون در زمینه ادله الکترونیکی عبارتند از:

ماده ۶: «داده‌پیام» را هر نمادی از اطلاعات تعریف می‌کند که با وسایل الکترونیکی تولید، ارسال، دریافت یا ذخیره می‌شود.

ماده ۱۲: داده‌پیام‌های مطمئن را تعریف و شرایط آن را مشخص می‌کند.

ماده ۱۳: داده‌پیام‌های مطمئن را دارای اعتبار و ارزش اثباتی می‌داند.

ماده ۱۴: داده‌پیام‌های عادی را نیز در صورت وجود شرایطی معتبر می‌شمارد.

ماده ۱۵: به قاضی اجازه می‌دهد در صورت وجود قرائن و امارات، به داده‌پیام عادی نیز ترتیب اثر دهد.

۳. جایگاه ادله الکترونیکی در حقوق فرانسه

حقوق فرانسه یکی از پیشرفته‌ترین نظام‌های حقوقی در زمینه ادله الکترونیکی است. تحول این نظام با قانون ۱۳ مارس ۲۰۰۰ آغاز شد و با فرمان ۱۳۱-۲۰۱۶ مورخ ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ تکامل یافت.

قانون ۱۳ مارس ۲۰۰۰

قانون ۱۳ مارس ۲۰۰۰ با عنوان «قانون منطبق‌سازی حقوق ادله با فناوری‌های اطلاعاتی و مربوط به امضای الکترونیکی»، نقطه عطفی در حقوق فرانسه محسوب می‌شود. این قانون با ایجاد برابری کارکردی میان نوشته الکترونیکی و کاغذی، تحولی بنیادین در نظام ادله ایجاد کرد (Pourali & Bagheri, 2020).

مقررات قانون مدنی فرانسه

مواد ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ قانون مدنی فرانسه که با فرمان ۱۳۱-۲۰۱۶ بازنویسی شده‌اند، چارچوب اصلی ادله الکترونیکی را تشکیل می‌دهند:

ماده ۱۳۶۵: «نوشته عبارت است از دنباله‌ای از حروف، نویسه‌ها، اعداد یا هر نشانه یا نماد دیگری که دارای معنای قابل فهم باشد، صرف‌نظر از بستر و شیوه‌های انتقال آن» (Pourali & Bagheri, 2020).

ماده ۱۳۶۶: «نوشته الکترونیکی همان ارزش اثباتی نوشته کاغذی را دارد، مشروط بر اینکه شخصی که از او صادر شده به درستی شناسایی شود و در شرایطی ایجاد و حفظ شود که تمامیت آن تضمین گردد» (Pourali & Bagheri, 2020).

ماده ۱۳۶۷: امضای الکترونیکی را تعریف و شرایط آن را مشخص می‌کند. بر اساس این ماده، «امضای الکترونیکی عبارت است از استفاده از یک فرآیند شناسایی قابل اعتماد که پیوند آن را با نوشته‌ای که به آن ضمیمه می‌شود تضمین کند. قابلیت اعتماد این فرآیند تا زمانی که خلاف آن ثابت نشده باشد، مفروض است» (Pourali & Bagheri, 2020).

تفکیک میان اعمال حقوقی و وقایع حقوقی

حقوق فرانسه میان دو نوع موقعیت حقوقی تمایز قائل می‌شود: اعمال حقوقی: برای اثبات اعمال حقوقی (مانند قراردادها) که ارزش آنها بیش از ۱۵۰۰ یورو است، نوشته الزامی است. این نوشته می‌تواند الکترونیکی باشد و باید شرایط قانونی را رعایت کند. مقررات مربوط به ذکر مبلغ به حروف و اعداد و تعدد نسخه‌ها برای قراردادهای الکترونیکی نیز تطبیق داده شده‌اند (Pourali & Bagheri, 2020). دیوان عالی کشور فرانسه در رأی ۱۳ مارس ۲۰۰۸ تأکید کرده است که شرط نگارش دستی می‌تواند با استفاده از فرآیندهای شناسایی قابل اعتماد، به صورت الکترونیکی نیز محقق شود (Pourali & Bagheri, 2020).

وقایع حقوقی: برای اثبات وقایع حقوقی (مانند عمل زیانبار)، ادله به هر وسیله‌ای قابل ارائه است. بنابراین، ایمیل‌ها، پیامک‌ها، تصاویر و ضبط صدا می‌توانند به عنوان دلیل ارائه شوند، مشروط بر اینکه به صورت مشروع جمع‌آوری شده باشند و به حریم خصوصی یا اسرار حرفه‌ای تعرض نشده باشد (Pourali & Bagheri, 2020).

جمع‌آوری مشروع ادله

حقوق فرانسه بر جمع‌آوری مشروع ادله تأکید ویژه‌ای دارد. ادله‌ای که از راه تقلب، خشونت یا سرقت به دست آمده باشند، قابل استناد نیستند. برای مثال، دستگاه‌های ردیاب GPS و نرم‌افزارهای جاسوسی، ادله مشروعی محسوب نمی‌شوند. همچنین هر شخص باید پیش از ضبط مکالمه (تلفنی، ویدیویی یا حضوری) از این امر آگاه بوده و رضایت دهد (Pourali & Bagheri, 2020).

نقش افسران دادگستری

در حقوق فرانسه، کمیسرهای دادگستری (*commissaires de justice*) می‌توانند نسبت به تنظیم صورت جلسه از وضعیت صفحات وب یا سایر ادله الکترونیکی اقدام کنند. این صورت جلسه‌ها به دلیل رعایت تشریفات قانونی و بی‌طرفی

در زمینه شروط اصلی پذیرش، فقه امامیه بر وثاقت، امنیت از جعل، انتساب مطمئن و ایجاد علم برای قاضی تأکید دارد. تحقیقات نشان می‌دهد اسناد الکترونیکی در صورت رعایت تدابیر امنیتی، می‌توانند به عنوان ادله اثبات دعوی تلقی شوند (Moradi et al., 2022). حقوق ایران با تمایزگذاری میان داده‌پیام عادی و داده‌پیام مطمئن، شرط اصلی را احراز اصالت سند الکترونیکی می‌داند. مطابق ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیک، داده‌پیام مطمئن داده‌پیمای است که از روش امنی استفاده کند که انتساب آن به فرستنده و محافظت از آن در برابر تغییر را تضمین نماید (Alidoosti Shahraki et al., 2024). حقوق فرانسه اما شروط سه‌گانه شناسایی صادرکننده، تضمین تمامیت سند و جمع‌آوری مشروع ادله را به عنوان شروط اصلی پذیرش تعیین کرده است (Pourali & Bagheri, 2020).

ارزش اثباتی ادله الکترونیکی در این سه نظام تفاوت‌های قابل توجهی دارد. در فقه امامیه، ادله الکترونیکی در صورت احراز شرایط، هم‌ارز با اسناد کاغذی تلقی می‌شوند. حقوق ایران رویکردی دوگانه اتخاذ کرده است: داده‌پیام‌های مطمئن از اعتبار کامل برخوردارند، اما داده‌پیام‌های عادی با نظر و ارزیابی قاضی ارزش اثباتی پیدا می‌کنند. پژوهش‌های تطبیقی نشان داده که ارزش اثباتی ادله الکترونیکی، اگرچه در قوانین ایران و فرانسه به صراحت بیان نشده، اما قانون‌گذار هر دو کشور ارزشی در حد ادله سستی برای ادله الکترونیکی قائل شده است (Pourali & Bagheri, 2020). حقوق فرانسه اما با پذیرش اصل برابری کارکردی، برابری کامل میان نوشته الکترونیکی و کاغذی را به رسمیت شناخته است (Pourali & Bagheri, 2020).

در مورد تفکیک اعمال حقوقی و وقایع حقوقی، فقه امامیه به صورت ضمنی و با توجه به شرایط اثبات دعوی این تفکیک را مد نظر قرار می‌دهد. در فقه، اثبات دعاوی تابع قواعد عمومی است و نوع دعوی (حقوق الله یا حق الناس) می‌تواند در شیوه اثبات

تنظیم‌کننده، از اعتبار بالایی برخوردارند. دیوان عالی کشور فرانسه تأکید کرده است که کمیسر دادگستری باید از صحت اقدامات فنی خود اطمینان حاصل کند، در غیر این صورت صورت جلسه باطل خواهد بود (Pourali & Bagheri, 2020).

۴. تحلیل تطبیقی

مقایسه سه نظام حقوقی در زمینه ادله الکترونیکی نشان می‌دهد که هر یک از این نظام‌ها رویکردهای متفاوتی در پذیرش و اعتباربخشی به این ادله دارند.

در مورد مبنای پذیرش ادله الکترونیکی، فقه امامیه بر بنای عقلا، علم قاضی و اصل اباحه استوار است. علم قاضی در فقه امامیه به عنوان یکی از ادله معتبر اثبات دعوی شناخته شده و فقهایی مانند شیخ طوسی در کتاب الخلاف بر حجیت علم قاضی به طور مطلق تأکید کرده‌اند (Tusi, 1986). ایشان با استناد به آیه شریفه «یا داود إنا جعلناک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحق» معتقدند هر کس مطابق علم خود حکم کند، بر اساس عدالت و قسط حکم نموده است. همچنین سید مرتضی علم‌الهدی در کتاب انتصار بر این باور است که امام و حاکم منصوب از ناحیه امام می‌توانند بدون استثنا در تمام حقوق و حدود بر اساس علم خود حکم نمایند (Seyed Murtada, 1994). به این معنا که از دیدگاه فقهی، هر چیزی که عقلا در روابط اجتماعی خود به آن اعتماد کنند و برای قاضی علم‌آور باشد، مادام که منع شرعی نداشته باشد، قابل پذیرش است. در مقابل، حقوق ایران مبنای پذیرش را در قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ و آیین‌نامه استنادپذیری ادله الکترونیکی مصوب ۱۳۹۲ جستجو می‌کند و این قوانین هستند که چارچوب پذیرش ادله الکترونیکی را تعیین می‌کنند (Shahbazinia, 2010). حقوق فرانسه اما با تصویب قانون ۱۳ مارس ۲۰۰۰ و گنجاندن مواد ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ در قانون مدنی، مبنای پذیرش ادله الکترونیکی را به صورت نظام‌مند و در سطح قانون اساسی مدنی تثبیت کرده است (Pourali & Bagheri, 2020).

قانون نمونه آنسیترال گام‌های مثبتی در قانون‌گذاری برداشته، اما در اجرا و تدوین قواعد دادرسی با چالش‌هایی مواجه است که نیازمند توجه و اصلاح است. حقوق فرانسه با رویکردی نظام‌مند و تفکیک دقیق میان اعمال و وقایع حقوقی، الگویی کارآمد ارائه داده است که می‌تواند برای رفع خلأهای حقوق ایران و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقه امامیه بسیار مفید باشد.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی جایگاه ادله الکترونیکی در اثبات دعاوی در فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق فرانسه نشان می‌دهد که هر یک از این نظام‌ها ظرفیت‌ها و چالش‌های خاص خود را دارند.

فقه امامیه با برخورداری از مبانی مستحکمی چون بنای عقلا، علم قاضی و اصل اباحه، ظرفیت نظری بالایی برای پذیرش ادله الکترونیکی دارد. تأکید فقه بر وثاقت، امنیت از جعل و ایجاد علم برای قاضی، معیارهایی را ارائه می‌دهد که می‌تواند مبنای ارزیابی ادله الکترونیکی در نظام حقوقی ایران قرار گیرد.

حقوق ایران با تصویب قانون تجارت الکترونیک و آیین‌نامه استانداردپذیری ادله الکترونیکی، گام‌های مهمی در جهت شناسایی این ادله برداشته است. تمایز میان داده‌پیام عادی و مطمئن، رویکردی قابل قبول است. با این حال، چالش‌های متعددی از جمله عدم تفکیک معیارهای عمومی و تخصصی احراز اصالت، خلأهای موجود در قوانین دادرسی، و عدم پیش‌بینی سازوکارهای مناسب برای جمع‌آوری ادله الکترونیکی، کارآمدی این نظام را کاهش داده است.

حقوق فرانسه با اصل برابری کارکردی میان نوشته الکترونیکی و کاغذی، تفکیک میان اعمال و وقایع حقوقی، تأکید بر جمع‌آوری مشروع ادله، و پیش‌بینی نقش افسران دادگستری در جمع‌آوری ادله الکترونیکی، نظامی منسجم و کارآمد ارائه داده است. تجربه فرانسه نشان می‌دهد که می‌توان ضمن حفظ سنت‌های حقوقی، با فناوری‌های نوین نیز سازگار شد.

تأثیرگذار باشد (Mohaqeq Damad, 2021). حقوق ایران کمتر به این تفکیک توجه داشته است، در حالی که حقوق فرانسه با تفکیک صریح و نظام‌مند میان اعمال حقوقی (که نیاز به نوشته دارند) و وقایع حقوقی (که با هر وسیله‌ای قابل اثبات هستند)، رویکردی دقیق و کاربردی اتخاذ کرده است (Pourali & Bagheri, 2020).

سازوکارهای جمع‌آوری ادله الکترونیکی نیز در این سه نظام متفاوت است. در فقه امامیه، سازوکارها عمدتاً مبتنی بر ادله سنتی و روش‌های مرسوم جمع‌آوری دلیل است. در حقوق ایران، جمع‌آوری ادله عمدتاً بر عهده طرفین دعوا گذاشته شده است (Ahmadi Lashki et al., 2023). حقوق فرانسه اما با پیش‌بینی نقش کمیسرهای دادگستری و خدمات تخصصی پلیس سایبری، سازوکارهای نهادی و رسمی برای جمع‌آوری ادله الکترونیکی فراهم کرده است. این مأموران می‌توانند نسبت به تنظیم صورت‌جلسه از وضعیت صفحات وب یا سایر ادله الکترونیکی اقدام کنند که به دلیل رعایت تشریفات قانونی و بی‌طرفی تنظیم‌کننده، از اعتبار بالایی برخوردارند (Pourali & Bagheri, 2020).

چالش‌های هر یک از این نظام‌ها نیز قابل تأمل است. فقه امامیه با نگرانی از جعل و نیاز به تطبیق مستمر با فناوری‌های نوین مواجه است. حقوق ایران با عدم تفکیک معیارهای عمومی و تخصصی احراز اصالت و خلأهای موجود در قوانین دادرسی دست‌به‌گریبان است (Alidoosti Shahraki et al., 2024). حقوق فرانسه نیز با پیچیدگی‌های فنی و هزینه‌های بالای جمع‌آوری رسمی ادله الکترونیکی روبه‌روست.

نکته قابل توجه آن است که فقه امامیه با تأکید بر وثاقت و ایجاد علم، ظرفیت نظری بالایی برای پشتیبانی از ادله الکترونیکی دارد. این ظرفیت می‌تواند مبنای نظری محکمی برای توسعه نظام ادله الکترونیکی در حقوق ایران فراهم آورد. حقوق ایران با الهام از

۴. توسعه ظرفیت‌های فقه امامیه: با بهره‌گیری از مبانی فقهی مانند علم قاضی و بنای عقلا، مبانی نظری محکمی برای پشتیبانی از ادله الکترونیکی تدوین شود.

۵. آموزش قضات و کارشناسان: دوره‌های آموزشی تخصصی برای آشنایی قضات، وکلا و کارشناسان با جنبه‌های فنی و حقوقی ادله الکترونیکی برگزار شود.

۶. هماهنگی قوانین مرتبط: مقررات مربوط به ادله الکترونیکی در قوانین مختلف (تجارت الکترونیک، آیین دادرسی مدنی، آیین دادرسی کیفری، دادرسی اداری) با یکدیگر هماهنگ شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The rapid expansion of information and communication technologies has transformed the evidentiary foundations of modern adjudication and has required legal systems to reconsider the meaning, form, authenticity, and probative value of evidence in judicial proceedings. Electronic evidence, including electronic documents, emails, text messages, digital images, audio and video files, electronic contracts, digital signatures, and other forms of data messages, has become an unavoidable component of contemporary litigation. This transformation is particularly significant in legal systems whose traditional evidentiary categories were developed in a pre-digital environment. The present study comparatively examines the status of electronic evidence in proving claims in three normative systems: Imami jurisprudence, Iranian law, and French law. The central research problem is whether electronic evidence can be accommodated within classical evidentiary frameworks, whether it should be treated as equivalent to written evidence, and under what conditions it may

بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهای زیر برای بهبود نظام ادله الکترونیکی در حقوق ایران ارائه می‌شود:

۱. اصلاح قانون تجارت الکترونیک: با تفکیک صریح معیارهای عمومی احراز اصالت (که توسط قاضی ارزیابی می‌شود) از معیارهای تخصصی (که توسط کارشناسان فناوری اطلاعات بررسی می‌شود) و بهره‌گیری از استانداردهای بین‌المللی.

۲. تدوین قواعد دادرسی ویژه ادله الکترونیکی: در قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری، مقررات خاصی برای جمع‌آوری، حفظ و ارائه ادله الکترونیکی پیش‌بینی شود.

۳. پیش‌بینی سازوکارهای رسمی جمع‌آوری ادله الکترونیکی: با الهام از نقش کمیسره‌های دادگستری در حقوق فرانسه، نهادهای مشابهی در ایران برای جمع‌آوری رسمی ادله الکترونیکی پیش‌بینی شود.

acquire probative force. In Imami jurisprudence, the problem is linked to the classical means of proof, including confession, testimony, oath, qasamah, and the judge's knowledge, as well as broader jurisprudential principles such as rational practice, authenticity, prevention of harm, and preservation of social order (Ansari, 1994; Mohaqeq Damad, 2021; Muhaqqiq Hilli, 1987; Najafi, 1983). In Iranian law, the issue is primarily framed by the Electronic Commerce Law and the Regulation on the Admissibility of Electronic Evidence, which recognize data messages and secure electronic records while still leaving several procedural and technical challenges unresolved (Ahmadi Lashki et al., 2023; Alidoosti Shahraki et al., 2024; Shahbazinia, 2010). In French law, the Law of March 13, 2000 and the later reform of the Civil Code established a more systematic model by recognizing functional equivalence between electronic and paper writings and by specifying conditions related to identification, integrity, and lawful collection of evidence (Pourali & Bagheri, 2020).

The study adopts a qualitative, descriptive-analytical, and comparative methodology. Its data were collected through documentary and library research, including classical jurisprudential sources, contemporary legal scholarship, statutory texts, regulations, and comparative legal materials. In the jurisprudential section, foundational Shiite legal texts on adjudication and evidence were examined to determine whether electronic evidence could be justified through existing doctrinal principles rather than through the creation of an entirely new category of proof. Classical jurists' discussions of judicial knowledge, written instruments, testimony, and evidentiary reliability provided the conceptual basis for analyzing the admissibility of electronic documents (Haeri, 1997; Seyed Murtada, 1994; Shahid al-Thani, 1992; Tusi, 1986). In the Iranian legal section, the study focused on statutory recognition of data messages, secure data messages, electronic signatures, and the evidentiary role of ordinary and secure electronic records, while also examining doctrinal critiques concerning the absence of clear procedural rules for collection, preservation, expert verification, and judicial assessment of electronic evidence (Ahmadi Lashki et al., 2023; Alidoosti Shahraki et al., 2024; Robati et al., 2021). In the French legal section, attention was given to the recognition of electronic writing, the conditions of probative equivalence, the distinction between juridical acts and juridical facts, and the role of official mechanisms in preserving electronic traces and digital records (Pourali & Bagheri, 2020). The collected materials were analyzed through comparative content analysis, first by identifying the internal logic of each system, then by comparing their convergences and divergences in terms of theoretical coherence, evidentiary reliability, procedural adequacy, and practical enforceability.

The findings show that Imami jurisprudence contains considerable theoretical capacity for accepting electronic evidence, even though classical jurisprudential texts did not directly address digital technologies. This capacity arises from the flexible nature of several jurisprudential principles and from the centrality of rational confidence in evidentiary assessment. The principle of rational practice indicates that when reasonable persons in social, commercial, and legal relations rely on a particular method of documentation, such reliance may be recognized unless it is expressly rejected by Sharia. Since contemporary social and commercial relations routinely depend on electronic documents and digital communications, electronic evidence can be treated as part of accepted rational practice (Moradi et al., 2022; Robati et al., 2021). Similarly, the judge's knowledge provides an important doctrinal channel through which electronic evidence may acquire legal force. If electronic records, digital signatures, metadata, or verified data messages create sufficient certainty or reliable confidence for the judge, they may support judicial decision-making in accordance with the jurisprudential status of judicial knowledge (Seyed Murtada, 1994; Tusi, 1986). Other principles, including the principle of permissibility, the principle of validity, the rule of no harm, and the rule against disruption of social order, further support the admissibility of electronic evidence in contemporary proceedings, particularly where refusal to accept such evidence would undermine legal security, obstruct access to justice, or create harm in transactions that are increasingly conducted through electronic means (Kazemi & Kakavand, 2022; Mohaqeq Damad, 2021; Moradi et al., 2021). The principal jurisprudential concern remains the possibility of forgery, manipulation, or uncertainty of attribution; however, this concern is not unique to electronic evidence,

since paper documents are also vulnerable to falsification. Therefore, the decisive criterion is not whether evidence is electronic or paper-based, but whether its authenticity, integrity, attribution, and reliability can be established through secure mechanisms (Moradi et al., 2022; Robati et al., 2021).

The findings concerning Iranian law indicate that the legal system has taken meaningful steps toward recognizing electronic evidence, especially through the Electronic Commerce Law and related regulations. The distinction between ordinary data messages and secure data messages is one of the most important features of this framework. Secure data messages enjoy stronger evidentiary value because they are produced, stored, and transmitted through reliable methods that support attribution to the sender and protection against alteration (Alidoosti Shahraki et al., 2024). The Regulation on the Admissibility of Electronic Evidence further expands the scope of electronic evidence by recognizing that data messages are not limited to conventional electronic devices and may include audio files, image files, messaging platforms, optical devices, and other digital forms (Ahmadi Lashki et al., 2023). Nevertheless, Iranian law continues to face several challenges. One major problem is the lack of a clear distinction between general legal criteria for authenticity, which should be evaluated by the judge, and specialized technical criteria, which require expert assessment by information technology specialists (Alidoosti Shahraki et al., 2024). Another challenge is that procedural laws have not sufficiently developed detailed rules for collecting, preserving, presenting, and challenging electronic evidence in civil, criminal, and administrative proceedings (Ahmadi Lashki et al., 2023; Shahbazinia, 2010). These shortcomings may produce inconsistent judicial practice and uncertainty regarding the evidentiary weight of electronic

records. Comparative studies also suggest that although Iranian and French law both attribute evidentiary value to electronic evidence, French law provides a more integrated and technically precise model, particularly because it links probative value to identification of the issuer, preservation of integrity, and procedural legality of collection (Pourali & Bagheri, 2020).

The comparative analysis demonstrates that French law offers a more coherent and structured model for regulating electronic evidence. The French approach is built on the principle of functional equivalence between electronic and paper writings, meaning that an electronic writing may have the same probative value as a paper document if the person from whom it originates can be properly identified and if it is created and preserved under conditions that guarantee its integrity (Pourali & Bagheri, 2020). A further strength of French law is its distinction between juridical acts and juridical facts. For juridical acts, especially those exceeding a specified monetary threshold, written evidence is generally required, but the writing may be electronic if statutory conditions are satisfied. For juridical facts, evidence may generally be produced by any means, including emails, text messages, audio recordings, digital images, and other electronic traces, provided that the evidence has been lawfully obtained and does not violate privacy, professional secrecy, or procedural fairness (Pourali & Bagheri, 2020). This distinction gives French law a practical advantage because it adapts evidentiary requirements to the legal nature of the matter being proved. Moreover, the French system pays special attention to the lawful collection of evidence and to institutional mechanisms for preserving electronic materials. The role of judicial officers in recording the condition of websites, online content, or other digital traces helps ensure neutrality, procedural regularity, and

technical reliability (Pourali & Bagheri, 2020). When compared with Imami jurisprudence and Iranian law, French law appears more procedurally developed, while Imami jurisprudence provides a strong theoretical foundation and Iranian law offers an intermediate model that recognizes electronic evidence but requires further doctrinal, procedural, and technical refinement (Ahmadi Lashki et al., 2023; Alidoosti Shahraki et al., 2024; Robati et al., 2021).

In conclusion, the comparative study shows that all three systems have moved toward acceptance of electronic evidence, but they do so through different conceptual and institutional routes. Imami jurisprudence supports admissibility through rational practice, judicial knowledge, reliability, and the prevention of harm and social disorder. Iranian law has formally recognized electronic evidence, especially through the categories of data messages and secure data messages, but it still requires clearer procedural rules and stronger technical standards. French law presents the most systematic framework by establishing the equivalence of electronic and paper writings, distinguishing juridical acts from juridical facts, emphasizing lawful evidence collection, and providing official mechanisms for preserving digital proof. For Iranian law, the most effective path forward is not to abandon its jurisprudential foundations, but to combine them with comparative legal experience. This requires reforming the Electronic Commerce Law, developing detailed procedural rules for electronic evidence, distinguishing judicial assessment from technical expert verification, establishing official mechanisms for collecting and preserving electronic evidence, training judges and legal professionals in digital evidentiary issues, and harmonizing rules across civil, criminal, administrative, and commercial proceedings. Such reforms would allow Iranian law to benefit from the doctrinal

flexibility of Imami jurisprudence and the institutional coherence of French law while building a more reliable, modern, and operational system for electronic evidence.

References

- Ahmadi Lashki, H., Abhari, H., & Moghaddam-Ari-Amiri, A. (2023). Electronic evidence for proving claims in administrative and civil proceedings in Iran with regard to Imamiyyah jurisprudence. *Journal of Modern Research on Administrative Law*, 5(16), 179-202.
- Alidoosti Shahraki, N., Keshavarz, A., & Sadeghi Asl, A. (2024). Validation of electronic documents and evidence in Iranian law with a look at American law and UNCITRAL regulations. *Ray Quarterly: Judicial Opinions Studies*, 13(48).
- Ansari, M. (1994). *Al-Qada wa al-Shahadat*. World Congress Commemorating Shaykh Ansari.
- Haeri, S. A. (1997). *Riyad al-Masa'il fi Tahqiq al-Ahkam bil-Dala'il*. Al al-Bayt Institute.
- Kazemi, M. A., & Kakavand, S. (2022). A Comparative Study of Criminal Evidence in Imamiyah Jurisprudence and Iranian Law with Emphasis on Modern Electronic Evidence. *Political Sociology of Iran*, 5(11), 1-20.
- Mohaqeq Damad, S. M. (2021). *Rules of Jurisprudence: Civil Section*. Islamic Sciences Publication Center.
- Moradi, M., Rezaeinejad, G., & Khodabakhshi, A. (2022). A Feasibility Study on Reliability of Electronic Evidence in Jurisprudence, with a Glance at the Law of Electronic Commerce in Iran. *Journal of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law*, 54(2), 123-142.
- Moradi, Z., Khazaei, S. A., & Sanei, M. (2021). A jurisprudential-legal study of the validity of electronic evidence in proving claims. *Economic Jurisprudence Studies*, 3(4), 123-140.
- Muhaqqiq Hilli, N. a.-D. (1987). *Shara'i al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram*. Isma'ilian Institute.
- Najafi, M. H. (1983). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i al-Islam*. Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Pourali, M., & Bagheri, M. (2020). The evidentiary value of electronic evidence in Iranian and French law. *Comparative Law Studies Quarterly*, 11(2), 105-128.
- Robati, M., Mousavi, S. M. S., & Nasrollahi, Z. (2021). Jurisprudential-Legal Foundations of the Validity of Electronic Evidence in Civil Proceedings with a Look at Iran's Electronic Commerce Law. *Islamic Law & Jurisprudence Research*, 17(63), 29-52.
- Seyed Murtada, A. i. H. (1994). *Al-Intisar fi Infiradat al-Imamiyyah*. Daftar-e Entesharat-e Islami.

- Shahbazinia, M. (2010). Electronic evidence in the system of evidence in litigation. *Private Law Studies Quarterly*, 40(4), 193-205.
- Shahid al-Thani, Z. a.-D. i. A. (1992). *Masalik al-Afham ila Tanqih Shara'i al-Islam*. Al-Ma'arif al-Islamiyyah Institute.
- Tusi, M. i. H. (1986). *Al-Khilaf*. Daftar-e Entesharat-e Islami.